

ارتباط بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در استان های ایران: یک مطالعه اکولوژیکی

سارا شهبازی: دانشجوی دوره کارشناسی ارشد، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مریم تاجور: استادیار، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زینب خالدیان: دانشجوی دوره دکتری، گروه مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

میرسعید یکانی نژاد: دانشیار، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

حسین درگاهی: استاد، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، مرکز تحقیقات مدیریت اطلاعات سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

تهران، تهران، ایران - نویسنده رابط: hdargahi@sina.tums.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

چکیده

زمینه و هدف: رتبه ایران در سال ۲۰۲۰، از نظر شاخص شادکامی در بین ۱۵۳ کشور ۱۱۸ و از لحاظ شاخص نابرابری جنسیتی در بین ۱۸۹ کشور ۱۱۳ گزارش شده است که نشان دهنده جایگاه نگران کننده کشور در این شاخصها است. مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه ی بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در استان های ایران انجام شد.

روش کار: این مطالعه کمی از نوع اکولوژیکی و بر اساس تحلیل داده های ثانویه در سطح ۳۱ استان کشور انجام گرفت. داده ها شامل شاخص شادکامی، به عنوان متغیر وابسته، و نابرابری جنسیتی، به عنوان متغیر مستقل اصلی، از مطالعات انجام شده قبلی اخذ شده است. داده های سایر متغیرهای زمینه ای مستخرج از مطالعات ملی و سالنامه آماری کشور بود. آنالیز داده ها با استفاده از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه انجام شد.

نتایج: بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در سطح استانهای کشور رابطه آماری معنی داری مشاهده نشد. همچنین، از بین متغیرهای زمینه ای، هیچ کدام با شادکامی رابطه آماری معنی داری نشان ندادند اما میانگین سنی جمعیت با نابرابری جنسیتی رابطه معکوس معنی داری داشت ($p < 0.05$)، بدین صورت که با افزایش میانگین سنی در جمعیت، نابرابری کمتری میان جامعه مشاهده شد. نتیجه گیری: علیرغم فقدان ارتباط آماری معنی دار بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در سطح استان، که می تواند به دلیل محدودیت حجم نمونه آماری (۳۱ استان) و یا تاثیر بافتارهای فرهنگی بر میزان یا شیوه پاسخگویی باشد، پیشنهاد می شود این مطالعه با نمونه بزرگتر مثلا در سطح شهرستان تکرار گردد. همچنین این یافته، بدلیل بحث سفسطه اکولوژیکی، نمی تواند لزوما در سطح فردی نیز نتیجه یکسانی داشته باشد. از این رو آزمون فرضیه این مطالعه مجددا در سطح فردی در مطالعات بعدی پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: مطالعه اکولوژیکی، نابرابری جنسیتی، شادکامی

مقدمه

آن وضعیت روانشناختی منفی با بروز بیماری کرونری قلب، سکته و دیابت تیپ ۲ و افزایش مرگ و میر همراه است (۲،۳). سازمان سلامت جهانی شادکامی را به عنوان عامل مهمی در مفهوم سلامت و برخی کشورها آن را به عنوان شاخصی برای سنجش کیفیت زندگی عنوان می کنند. در طی ده سال گذشته شادکامی یا به بیان وسیعتر بهزیستی ذهنی به موضوعی عمده در سیاست عمومی،

شادکامی و نشاط به عنوان یکی از مهمترین نیازهای روانی، نه تنها تأثیرات عمده ای بر شکل گیری شخصیت و زندگی انسان دارد، بلکه اهمیت زیادی در مقابله با مشکلات دنیای امروز دارد (۱). شادکامی معیار سلامت روانی است و منافع محسوس بی شماری شامل افزایش سلامت جسمی، کاهش ناراحتی روانی و طولانی شدن عمر را به همراه دارد و در نقطه مخالف

کشورهای در حال توسعه است که با اشکال مختلف به صورت نابرابری در درآمد، دستیابی به فرصت ها، آموزش، دسترسی به اشتغال رسمی، موقعیت‌های مدیریتی و سیاسی و بالاخره نابرابری در قدرت چانه زنی در درون خانواده ظاهر می شود (۱۲). غالب موارد بی عدالتی ناشی از تبعیض در آموزش، سلامت، نمایندگی سیاسی، بازار کار می باشد. تبعیض جنسیتی در بازار کار و دسترسی به منابع، منجر به تخصیص ناکارای منابع و زیان های رفاهی می گردد. همچنین نابرابری جنسیتی در آموزش، با کاهش سرمایه انسانی، کیفیت مراقبت از فرزندان را تحت تاثیر قرار می دهد (۱۲). مطابق گزارش بانک جهانی، افزایش مشارکت زنان در کار و تصمیم‌گیری، حکمرانی و فضای کسب و کار را بهبود می بخشد و در نتیجه بر رشد جوامع اثرگذار است (۱۴). بی تردید چگونگی نگرش و طرز تلقی نسبت به زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، تمامی کنش ها، فرآیندها و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در سطح خرد، میانی و کلان تحت تاثیر قرار می دهد (۸، ۹). نابرابری جنسیتی کماکان مانع بزرگی بر سر راه توسعه انسانی است. گرچه از سال ۱۹۹۰ در راستای عدالت جنسیتی گام های بزرگی برداشته شده است اما کماکان بی عدالتی در میزان های متفاوت در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. بر اساس گزارش صندوق توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۰ رتبه شاخص توسعه انسانی کشور ایران به صورت کل معادل ۷۰ و برای مردان ۰/۸۱۹ و برای زنان ۰/۷۰۹ می باشد. همچنین در همین سال ایران در شاخص نابرابری جنسیتی (Gender Inequality Index) دارای رتبه ۱۱۳ در بین ۱۸۹ کشور بود (۱۳). بر اساس گزارش مدیرکل بین الملل معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، در آخرین گزارش سال ۲۰۱۷ مجمع جهانی اقتصاد در خصوص شکاف جنسیتی به عنوان شاخصی از نابرابری، رتبه ایران در میان ۱۴۴ کشور در شاخص اقتصاد برابر با ۱۴۰، در زمینه آموزش ۱۰۰، در سلامت و بقا ۱۳۵ و در مشارکت سیاسی زنان ۱۳۶ بوده است (۱۵) که همگی نشانگر نامناسب بودن وضعیت ایران در این زمینه است.

اقتصاد و روانشناسی تبدیل شده است (۳). شادکامی دربرگیرنده عواطف مثبت تجربه شده در همراهی با درک فرد از زندگی خود به عنوان ارزشمندی، معنی دار بودن و فضیلت است (۴). از منظر جامعه شناسی شادی، براساس نظریه محرومیت نسبی، انسان ها عموماً به مقایسه خود با دیگران می پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی عدالتی می کنند واکنش های شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی و خودکشی) نشان می دهند و هنگامی که این احساس به اعلی درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی منجر شده و تعارضات شدیدی را در پی می آورد (۶، ۷). بر اساس گزارش جهانی شادی سال ۲۰۲۰، ایران در شاخص شادکامی (happiness index) دارای رتبه ۱۱۸ در میان ۱۵۳ کشور بوده و مختصری بالاتر از چارک ناشادترین کشورها قرار گرفته است (۵).

با توجه به اینکه شادمانی، فعالیت های مفید انسان را بر می انگیزد، روابط اجتماعی را تسهیل می کند، مشارکت سیاسی- اجتماعی را رونق می بخشد، موجبات حفظ سلامت عاطفی، روانی، جسمی و امیدواری را فراهم می کند، اینچنین به نظر می رسد که بررسی آن در جامعه ای که در آن زنان که از بسیاری از فرصت های اجتماعی محروم می باشند، ضروری بوده و از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد (۱۶). از طرفی شادکامی فاکتور مهمی برای سیاستگذاران امروزی است چرا که بهبود شادکامی در ارتقاء درآمد ناخالص ملی کشورها حائز اهمیت می باشد. در کنار عملکرد اقتصادی یک کشور، فاکتورهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیطی می توانند بر شادکامی مردم اثرگذار باشند، بنابراین، شادکامی یک جامعه شاخص خوبی از توزیع منابع اقتصادی و شرایط محیطی و سیاسی آن کشور است (۱۷).

از سوی دیگر، نابرابری جنسیتی (Gender Inequality) مؤلفه بارز حیات اجتماعی انسان ها در طی قرن گذشته بوده و از نظر مفهومی عبارت است از توزیع نابرابر ثروت، قدرت و مزایای جامعه میان زنان و مردان (۱۰، ۱۱). نابرابری جنسیتی یک ویژگی غالب در

انسانی ۲۰۱۵ و با محاسبه میانگین هندسی سه شاخص سلامتی، آموزش، مشارکت اقتصادی و مشارکت سیاسی به تفکیک استان های کشور و برای سالهای ۱۳۸۷-۱۳۹۱ گزارش شده بود. نمرات این شاخص بین صفر و یک در نوسان است و هر چه مقادیر به عدد یک نزدیکتر شود به معنی نابرابری بیشتر است. داده های مربوط به شادکامی از مطالعه منتظری و همکاران اخذ گردید (۲۱). این مطالعه مبتنی بر جمعیت بوده و میانگین نمره شادکامی را در گروه سنی ۱۸ تا ۶۴ سال بر اساس طیف لیکرت ۵ امتیازی در چارچوب نمونه گیری خوشه ای در استان-های ایران با سهمیه ۸۰۰ نفر از هر استان گزارش نموده است. در تحلیل این متغیر هرچه نمره شادکامی بیشتر باشد به معنی میزان شادکامی بیشتر در افراد آن جامعه می باشد.

مولفه های زمینه ای که می توانند به صورت بالقوه بر روی متغیرهای اصلی تاثیر گذار باشند شامل: امید زندگی، تولید ناخالص داخلی، مشارکت اقتصادی، نرخ باسوادی، نرخ بیکاری، رضایت از زندگی و میزان توسعه یافتگی استان ها بودند، که بر اساس مروری بر متون استخراج و سپس با نظرخواهی از صاحب نظران نهایی گردید. داده های مربوط به رضایت از زندگی از گزارش آمارگیری شاخص های چندگانه جمعیت و سلامت کشور در سال ۱۳۹۴ و میزان توسعه یافتگی استان های کشور از مطالعه سنگاچین و همکاران و با بهره مندی از شاخص های ترکیبی مربوط به سال ۱۳۹۱ استخراج گردید. در این مطالعه میزان توسعه یافتگی استان ها به صورت ماتریسی از ترکیب ۱۳ شاخص مشتمل بر نرخ فعالیت، مساحت استان، دسترسی به آب سالم و بهداشتی، نرخ بیکاری، نرخ باسوادی بزرگسالان مرد و زن، نرخ شهرنشینی، مساحت جنگل به استان، سرانه جنگل، مناطق تحت حفاظت و سرانه ی تولید ناخالص داخلی با رویکرد عاملی محاسبه شده بود و مقادیر منفی نشان دهنده وضعیت توسعه یافتگی بدتر بوده و هرچه شاخص به +۴ نزدیکتر باشد وضعیت بهتر می باشد (۲۲، ۲۳). سایر داده ها از سالنامه آماری کشور مرکز آمار

فرضیه اصلی این مطالعه، تاثیر منفی نابرابری جنسیتی در شاخص شادکامی می باشد. برخی محققان در مطالعه خود اعلام کردند که افزایش نابرابری جنسیتی با شاخص های دسترسی به خدمات سلامت و رفاه عمومی که مسبب شادکامی هستند رابطه منفی دارد. همچنین عدم مشارکت شغلی زنان که یکی از ابعاد عدالت جنسیتی می باشد بر میزان افسردگی و ناشاد بودن آنها تاثیرگذار است (۱۷، ۱۸). در مطالعه دیگری رابطه منفی بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در سطح کشورهای جهان یافت گردید (۱۹). در مطالعه حاضر ارتباط بین شکاف جنسیتی و شادکامی در سطح استانهای کشور بررسی گردیده است. نتایج این مطالعه می تواند در تحقق اهداف توسعه پایدار به ویژه هدف پنجم مبنی بر توسعه برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان که مستلزم شناسایی درایورهای اصلی آن و برنامه ریزی در جهت رفع تبعیض ها و نابرابری های نژادی، فرهنگی، جنسیتی و قومی است، نقش داشته باشد (۲۰). امید است نتایج این مطالعه و مطالعات مشابه در راستای افزایش شادکامی افراد، جریان سازی جنسیتی و توجه به مقوله جنسیت به مثابه پارامتری مهم در سیاست گذاری ها و تصمیم سازی ها موثر بوده و در ارائه ی راهکار در زمینه ی کاهش نابرابری جنسیتی اثرگذار و مفید باشد.

روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه کمی بوده و از نوع مطالعات اکولوژیک است و برای ارزیابی ارتباط بین شاخص شادکامی و نابرابری جنسیتی و سایر عوامل زمینه ای بالقوه موثر بر آن در سطح استانهای ایران انجام شد. در این مطالعه، شاخص شادکامی، به عنوان متغیر وابسته، و نابرابری جنسیتی، به عنوان متغیر مستقل اصلی در نظر گرفته شده است. شاخص نابرابری جنسیتی از داده های مطالعه افشاری و همکاران اقتباس گردید (۱۲). در آن مطالعه نابرابری جنسیتی بر اساس روش ارائه شده در گزارش توسعه

آنالیزهای رگرسیونی بصورت پس رونده (Backward) در سطح معنی داری $p < 0/05$ بود.

نتایج

میانگین نمرات شادکامی و نابرابری جنسیتی و متغیرهای مورد بررسی به تفکیک ۳۱ استان کشور در جدول ۱ آمده است. بر این اساس میانگین نمره شادکامی کل کشور $3/43$ بوده و استان های زنجان و یزد به ترتیب بیشترین ($3/69$) و کمترین ($3/16$) میانگین شادکامی را دارند. همچنین استان های گلستان، بوشهر، هرمزگان و کردستان از میزان شادکامی بالاتری از خط میانگین برخوردار هستند. در خصوص شاخص نابرابری جنسیتی، بالاترین میزان نابرابری در استان سیستان و بلوچستان ($0/46$) و کمترین میزان نابرابری در استان های گیلان ($0/21$) و زنجان ($0/26$) بود. استان های کهگیلویه و بویر احمد و هرمزگان نیز از میزان نابرابری بیشتری (بالاتر از $0/4$) نسبت به سایر استان ها برخوردار بودند. اما این شاخص در استان های آذربایجان شرقی، اصفهان، اردبیل و خراسان رضوی به یک میزان ($0/27$) و در حد مطلوب تری نسبت به سایر استان ها قرار داشت.

نرخ مشارکت اقتصادی کشور $38/2\%$ بود و بالاترین نرخ مربوط به استان اردبیل $43/7\%$ و پایین ترین میزان مربوط به استان سیستان و بلوچستان $29/9\%$ بود. این مقادیر برای زنان در استان اردبیل با میزان $19/6\%$ بیشترین و در استان مرکزی با میزان $8/1\%$ کمترین مقدار را دارا بود. همچنین این میزان در مردان در استان کردستان با مقدار $69/5\%$ بیشترین و در استان ایلام با میزان $57/3\%$ کمترین میزان را دارا می باشد. نرخ باسوادی کل کشور 84% بود و بالاترین میزان نرخ باسوادی زنان و مردان مربوط به استان تهران به ترتیب با میزان $88/6\%$ و $92/3\%$ و کمترین مقدار در استان سیستان و بلوچستان با میزان $65/4\%$ در زنان 77% در مردان بود. بعلاوه، میانگین نرخ بیکاری کل کشور 11% بود و بالاترین نرخ به تفکیک جنسیت در زنان استان کهگیلویه و بویراحمد $33/5\%$ و مردان استان کرمانشاه $16/2\%$ و کمترین نرخ مربوط به زنان استان های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی با

ایران مربوط به سال های 1390 تا 1395 استخراج و در مطالعه وارد شد (24). لازم به ذکر است که برای دو متغیر شادکامی و شاخص توسعه شهری و همچنین برای متغیر نابرابری جنسیتی، اطلاعات برای استان البرز در دسترس نبود. این مساله برای شاخص توسعه شهری در استان خراسان شمالی و جنوبی نیز تکرار شده است که در نهایت در آنالیز و تحلیل ها مدنظر قرار گرفت.

در کلیه مراحل پژوهش حاضر، موارد اخلاقی شامل اخذ کد اخلاق از کمیته اخلاق در پژوهش دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (IR.TUMS.SPH.REC.1398.021)، هماهنگی با موسسه آمار جهت دستیابی و استفاده از داده ها، رعایت حقوق نویسندگان مقالات مورد اشاره در استفاده از داده ها، ذکر منابع به صورت کامل، و رعایت کامل حقوق مادی و معنوی نویسندگان رعایت گردید.

تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار spss 18 انجام شد. آنالیزهای مقدماتی داده ها با استفاده از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون انجام شد. برای بررسی ارتباط نابرابری جنسیتی و شاخص شادکامی و سایر متغیرهای زمینه ای از دو مدل رگرسیونی خطی تک متغیره و چندگانه استفاده شد. در مدل اول، ابتدا رابطه تک تک متغیرها، از جمله نابرابری جنسیتی، با شادکامی بصورت جداگانه آنالیز شده است و سپس در مدل دوم، رابطه "شادکامی" به عنوان یک متغیر پاسخ کمی با "نابرابری جنسیتی" به عنوان یک متغیر مستقل کمی مطالعه با کنترل تاثیر متغیرهای زمینه ای از جمله رضایت از زندگی، تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، نرخ باسوادی، امید زندگی، نرخ مشارکت اقتصادی، میانگین سنی جمعیت و شاخص توسعه انسانی مورد تحلیل قرار گرفت. برای بررسی میزان ضریب تبیین مدل از شاخص R^2 و R^2 تعدیل شده استفاده شد و از تابع درستنمایی (2 -loylikelihood) برای انتخاب متغیرها در مدل استفاده شد. همچنین روش انتخاب متغیرها در

نتایج آزمون رگرسیون خطی تک متغیره و چندگانه که جهت بررسی ارتباط بین شادکامی و نابرابری جنسیتی با کنترل تاثیر متغیرهای زمینه ای انجام شد، نشان داد که بین مقدار شادکامی و هیچ یک از متغیرهای مورد مطالعه از جمله نابرابری جنسیتی ارتباط و همبستگی معناداری وجود ندارد ($p > 0/05$). (جدول ۳)

بحث

در این مطالعه بین نابرابری جنسیتی و شادکامی ارتباط معنی داری یافت نشد در حالیکه در برخی مطالعات وجود نابرابری ها بر میزان شادکامی جمعیت تاثیرگذار بوده است (۲۵). Yorulmaz در بررسی اطلاعات مربوط به ۱۵۰ کشور رابطه معنی داری را بین شاخص نابرابری جنسیتی و شادکامی گزارش نمود (۱۷). به نظر می رسد یکی از دلایل توجیه کننده تفاوت نتایج حاصل از مطالعه حاضر با مطالعه مذکور تجارب زیستی متفاوت و تاثیرگذاری فرهنگی باشد. براساس نتایج مطالعات، تجارب زیستی زنان و مردان در ابعاد مختلف شامل: آموزش، امید زندگی، شخصیت، علائق، زندگی خانوادگی، شغل، وابستگی سیاسی با هم متفاوت بوده و نابرابری جنسیتی به شدت در فرهنگهای مختلف به صورت متفاوت تجربه می شود. فرهنگ فردگرایی، مردسالاری و فاصله قدرت زیاد بر میزان آموزش، شغل و درآمد زنان تاثیرگذار بوده و زمینه ساز نابرابری جنسیتی می باشد (۲۶، ۲۷). به عبارت دیگر کثر فرهنگ و قومیت های مختلف در کشور و الگوهای فرهنگی محدود کننده در بسیاری از مناطق، افراط در تکریم و بالابردن مقام زن در فرهنگ ایرانی، تداخل در نقش های مختلف مادری و همسری و دختری و خواهری، و نگاه مردسالارانه دست به دست هم منجر به محدودیت هایی در حضور اجتماعی و اقتصادی و آموزشی زنان شده و به تدریج به عنوان هنجاری در جامعه پذیرفته شده و حتی نگاه و تلقی و انتظارات زنان را تحت تاثیر قرار داده است (۲۸). از آنجایی که فرهنگ غالب و عام در جوامع انسانی در طول زمان شکل گرفته و دستخوش تحول می

میزان ۸/۹٪ و مردان استان کرمان با میزان ۵/۵٪ می باشد. همچنین میزان رضایت از زندگی کلی در زنان کشور ۱/۲۴ و در مردان ۱/۴۷ می باشد. بیشترین و کمترین رضایتمندی از زندگی به ترتیب در مردان استان کهگیلویه و بویراحمد ۱/۲۴ و استان قم ۱/۶۷ و زنان استان ایلام ۱/۱۰ و استان کرمان ۱/۳۸ می باشد. بیشترین و کمترین میانگین سنی زنان و مردان بر حسب سال در استان گیلان ۳۵/۸ و ۳۵/۲ و سیستان و بلوچستان ۲۳/۷ و ۲۳/۴ برآورد شد. امید زندگی در استان های تهران و البرز بیشتر از سایر استان ها (بالاتر از ۷۶ سال) و در استان های هرمزگان و خراسان شمالی کمتر از سایر استان ها (۷۱ سال) می باشد و تنها استان با امید زندگی کمتر از ۷۰ سال، استان سیستان و بلوچستان (۶۷/۴۵ سال) بود. بیشترین میزان GDP اختصاص یافته برابر با ۲۳/۰۹ برای استان تهران و کمترین مقدار مربوط به استان خراسان جنوبی و برابر با ۰/۴۷ بود. استان کهگیلویه و بویر احمد با میزان ۳/۷۱ توسعه یافته ترین استان ایران و استان کردستان با میزان ۴/۱۹- پایین ترین میزان توسعه یافتگی را دارا می باشند (جدول ۱).

بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در استان های مورد بررسی ارتباط معنی داری مشاهده نشد ($r = -0/156$ ، $p > 0/05$). همچنین بین متغیرهای زمینه ای مورد بررسی، از جمله نرخ مشارکت اقتصادی در زنان و مردان، میانگین سنی جمعیت، سطح سواد زنان و مردان، امید زندگی، تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری در زنان و مردان، رضایت از زندگی و توسعه یافتگی استان با شادکامی ارتباط معناداری یافت نشد ($p > 0/05$). با این حال، بین میانگین سنی کل استان ها ($-0/743$)، میانگین سنی زنان ($-0/759$)، میانگین سنی مردان ($-0/726$) و نابرابری جنسیتی رابطه معنی دار و معکوس مشاهده شد ($p < 0/05$)، بدین معنی که هرچه میانگین سنی در یک استان بالاتر باشد میزان نابرابری جنسیتی کمتر می باشد و بالعکس (جدول ۲). همچنین

استفاده از پرسشنامه نردبان زندگی این نتیجه بدست می-آید که شکاف جنسیتی و رفاه کمتر در کشورهای فقیرتر رایج است (۱۷). با این حال، هرچند که به نظر می‌رسد رفاه و شادکامی بیشتر در مناطق بیشتر توسعه یافته باشد، این ارتباط مستقیم در این پژوهش به دست نیامد که به نحوی با فرهنگ تکریم سالمندان قابل توجیه است. در قالب فرهنگ ایرانی والدین و بزرگان مورد احترام و مراقبت و حمایت عاطفی و مالی هستند. هم چنین با افزایش سن تمایلات معنوی و نگاه به مصادیق شادی و رضایت روانی متوجه ابعاد غیر دنیوی است.

نتایج حاصل از این مطالعه با سایرین در خصوص ارتباط شادکامی و نرخ مشارکت اقتصادی نیز همسویی نداشت بدین ترتیب که در برخی از این مطالعات، متغیرهای وضعیت اقتصادی، تحصیلات، بعد خانوار و وضعیت تاهل با متغیر شادکامی ارتباط معنی‌داری را نشان داده اند و کمترین میانگین و انحراف معیار شادکامی مربوط به زنان بازنشسته بوده است (۳۱) در حالیکه در فرهنگ غالب ایرانی زنان در ظرفیت تولید کمتر و فاصله قدرت بیشتری دارند با اینکه در تولید نقش دارند اما در مصرف و برنامه ریزی دسترنج خود کمتر دخالت داده می‌شوند (۲۸). بنابراین بر اساس یافته‌های انجام شده توسط دیگر محققان که پیش تر مورد بحث قرار گرفت، دولت می‌بایست برنامه‌هایی در جهت افزایش نرخ مشارکت اقتصادی برای افزایش میزان شادکامی عمومی جامعه در نظر بگیرد. در این مطالعه، ارتباط معنی‌داری میان امید زندگی و رضایت از زندگی و شادکامی در مطالعه حاضر یافت نشد، این درحالی است که شاخص‌های سلامت عمومی، خوشبینی و عزت نفس می‌تواند بصورت غیرمستقیم با کیفیت و امید زندگی نیز در ارتباط باشد و از این طریق موجب افزایش شادمانی گردد (۲،۳۲).

این مطالعه نقاط قوت متعدد داشت. به نظر می‌رسد مطالعه حاضر اولین مطالعه کشوری است که رابطه بین نابرابری جنسیتی و مولفه سلامت روان (شادکامی) را با در نظر گرفتن عوامل موثر در سطح کشور مورد بررسی قرار می‌دهد. ضمن اینکه از معتبرترین داده‌های در دسترس بهره برده است. از طرفی با توجه به حجم داده‌ها

گردد، لذا در برخی ساختارهای فرهنگی و متمایل به سنت‌گرایی مصادیق نابرابری جنسیتی به نحوی به تفاوت‌های زن و مرد نسبت داده شده و به همین مضمون پذیرفته شده اند و شاید از این منظر بر قضاوت ذهنی افراد و شادکامی آنها تاثیر قابل توجهی نمی‌گذارد.

البته ذکر دو نکته متدولوژیکی حائز اهمیت است؛ اول اینکه بنظر می‌رسد که علت اصلی رد فرضیه ارتباط بین شاخص نابرابری جنسیتی و شادکامی در این مطالعه بیشتر به دلیل کم بودن تعداد استانها و محدودیت حجم نمونه آماری باشد که تنها ۳۱ دیتا از هر متغیر بود، و لذا تست‌های آماری احتمالاً توان کافی برای یافتن تفاوت‌ها را نداشتند. دوم اینکه رد این فرضیه در سطح اکولوژیکی، که در این مطالعه استان بود، نمی‌تواند مبنایی بر رد رابطه دو متغیر اصلی پژوهش، شامل نابرابری جنسیتی و شادکامی در سطح فردی (individual-level) باشد. این در حقیقت مطابق با بحث "سفسطه اکولوژیکی" (Ecological Falacy) است که تعمیم یافته‌ها را در سطح اکولوژیکی به سطح فردی نادرست می‌پندارد. لذا انجام چنین مطالعه‌ای در سطح فردی می‌تواند نتایج متفاوتی از آنچه در سطح استانی یافت شد به بار بیاورد.

در این مطالعه تنها ارتباط معنی‌دار بین میانگین سنی جمعیت با متغیر نابرابری جنسیتی بوده و این ارتباط با میزان شادکامی جامعه مشاهده نشد. در برخی مطالعات پیشین، متغیرهای سن، جنس و وضعیت تاهل ارتباط معنی‌داری با شادکامی نداشتند (۲۹). اما در تحقیقات دیگری متغیر سن، همانند سایر متغیرهای وضعیت اقتصادی، تحصیلات و برخی دیگر از عوامل جمعیت شناختی به طور قابل ملاحظه‌ای با رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت و میزان شادکامی زنان ارتباط داشته‌اند (۳۰). بر اساس عوامل ذکر شده در بسیاری از مطالعات، خانم‌های شاغل شادتر از آن‌هایی هستند که خانه‌دار می‌باشند و کارهای سخت و طاقت فرسا دارند. علاوه بر نابرابری در شغل، نابرابری در آموزش و قدرت‌های سیاسی نیز بر رفاه زنان اثرگذارند. اما با

موثر، هدفمند و نظام مندی برای ارتقای وضعیت آنها انجام گیرد. با توجه به چند بعدی بودن مقوله شادکامی و همچنین نابرابری های جنسیتی، لازم است که در همه مراحل اعم از تحقیقات، سیاستگذاری و برنامه ریزی رویکرد بین بخشی و با مشارکت کلیه ساختارها و نهادهای دخیل از جمله واحدهای آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی مدنظر قرار گرفته و در زمینه های مختلف از جمله تدوین برنامه های آموزش و مهارت افزایی به ویژه در نقاط محروم، توانمند سازی زنان به ویژه در عرصه های سیاسی و مدیریتی و افزایش توانمندی آنها در انتخاب های استراتژیک، ایجاد فرصت های اشتغال جهت کاهش نرخ بیکاری و توجه به مقوله تبعیض مثبت، تدوین برنامه های فرهنگی طولانی مدت برای کمرنگ نمودن باورهای کلیشه ایی، ایدئولوژی ها و نگرش های جنسیتی درباره نقش و جایگاه زن تلاش شود تا به صورت مستقیم و غیرمستقیم زمینه ساز ارتقاء عدالت، سلامت روان، بهره وری و بهبود تولید ناخالص داخلی و توسعه پایدار شود.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر، بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مصوب دانشگاه علوم پزشکی تهران (به شماره ۹۶۱۱۳۸۲۰۰۷) می باشد. بدینوسیله از حمایت و نظرات ارزشمند اساتید گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت دانشکده بهداشت و همچنین از مرکز آمار ایران برای امکان دسترسی به بخشی از داده ها، سپاسگزاری می شود. همچنین از نظرات ارزشمند داوران این مقاله که در ارتقای کیفی آن نقش موثری داشت سپاسگزاریم.

و مقیاس کشوری آن و همچنین فقدان منبع واحد برای داده های مورد نیاز مطالعه، نمونه گیری از منابع مختلف صورت گرفت که به نوعی محدودیتی برای مطالعه بود و انطباق زمانی و آنالیز داده ها را تا حدودی پیچیده نمود.

نتیجه گیری

تحلیل رگرسیونی بین متغیرهای مورد مطالعه حاکی از آن بود که در جامعه ایرانی بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در سطح استانی ارتباط معنی داری وجود ندارد. علیرغم بحث هایی که در خصوص دلایل احتمالی عدم وجود ارتباط بین متغیرهای مذکور در بالا ذکر شد، بنظر می رسد چنانچه این مطالعه با حجم نمونه بیشتر تکرار شود (مانند سطح شهرستان) احتمالاً می تواند نتایج متفاوتی یافت گردد. همچنین تعمیم یافته های این مطالعه که حاصل یک بررسی اکولوژیکی است به سطح فردی، مطابق با بحث سفسطه اکولوژیکی، که توضیح داده شد، مردود می باشد. لذا پیشنهاد می شود که فرضیه رابطه بین نابرابری جنسیتی و شادکامی یکبار دیگر، این بار در سطح فردی، مجدداً توسط محققین بعدی بررسی گردد. همچنین پیشنهاد می شود محققین بعدی چنین فرضیه ای را در قالب یک مطالعه طولی (Longitudinal studies) بررسی کنند و تاثیر نابرابری ها را بر بسیاری از فاکتورهای روانشناسی و سلامتی از جمله شادکامی در طول زمان مورد بررسی قرار دهند تا رابطه علیتی بین آنها نیز تعیین گردد. پیشنهاد دیگر انجام یک مطالعه کیفی جهت تبیین رتبه های هشدار دهنده کشوری در خصوص نابرابری های جنسیتی و شادکامی، و یافته های ناهماهنگ این مطالعه با مطالعات مشابه جهانی می باشد

از آنجا که به هر حال، مطابق با گزارشات بین المللی، ایران وضعیت نامناسبی در هر دو شاخص شادکامی و نابرابری جنسیتی دارد، لازم است اقدامات

جدول ۱- وضعیت متغیرهای مورد بررسی در مطالعه اثر بخشی ارتباط بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در استان های ایران: یک مطالعه اکولوژیکی

استان	مشارکت اقتصادی کل ^۱	مشارکت اقتصادی مردان	مشارکت اقتصادی زنان	بیکاری کل ^۲	بیکاری مردان	بیکاری زنان	باسوادی کل ^۳	باسوادی مردان	باسوادی زنان	میانگین سنی کل ^۴	میانگین سنی مردان	میانگین سنی زنان	رضایت مردان ^۵	رضایت زنان ^۵	امید زندگی ^۶	٪GDP	شادکامی ^۸	نابرابری جنسیتی ^۹	نوسعه شهری
آذربایجان شرقی	۳۹/۳	۶۳/۹	۱۴/۶	۷/۳	۶/۹	۸/۹	۸۲/۱	۸۸/۴	۸۱/۱	۳۲/۴	۳۲/۲	۳۲/۷	۱/۴۵	۱/۳	۷۴/۲	۳/۳۵	۳/۳۵	۰/۲۷	-۱/۵۶۳
آذربایجان غربی	۳۹/۹	۶۶/۵	۱۳/۷	۱۰/۹	۱۱/۳	۸/۹	۷۸/۸	۸۷/۴	۷۶/۷	۳۰/۲	۲۹/۹	۳۰/۴	۱/۵۳	۱/۱۲	۷۳/۹۵	۲/۰۶	۳/۴۱	۰/۳۲	-۱/۴۹۵
اردبیل	۴۳/۷	۶۸/۷	۱۹/۶	۱۲/۸	۱۲	۱۵/۶	۸۰/۸	۸۶/۸	۷۴/۶	۳۱/۲	۳۰/۹	۳۱/۵	۱/۴۴	۱/۱۷	۷۳/۴۵	۰/۹۴	۳/۳۶	۰/۲۷	-۲/۴۷
اصفهان	۴۵/۴	۶۴/۶	۱۵/۹	۱۳/۸	۱۰/۹	۲۵/۶	۸۷/۸	۹۰/۷	۸۴/۸	۳۲/۸	۳۲/۷	۳۲/۹	۱/۴۵	۱/۲۶	۷۵	۶/۷۱	۳/۴۱	۰/۲۷	۰/۸۱۵
البرز	۳۷/۵	۶۳/۳	۱۱	۱۲/۴	۱۰/۱	۲۵/۹	۹۰/۲	۹۲/۱	۸۸/۳	۳۲/۱	۳۲/۱	۳۲/۱	۱/۵۱	۱/۳۲	۷۶/۲	۲/۶۴	-	-	-
ایلام	۳۶/۵	۵۷/۳	۱۵/۷	۱۱/۶	۸/۹	۲۱/۱	۸۲/۳	۸۶/۶	۷۸	۳۰/۷	۳۰/۶	۳۰/۷	۱/۳۷	۱/۱	۷۱/۲۵	۱/۰۴	۳/۵۳	۰/۳۱	۲/۲۱۹
بوشهر	۳۶/۳	۶۱/۶	۱۱/۵	۹/۷	۸/۹	۱۳/۷	۸۳/۶	۸۴/۴	۸۲/۷	۲۸/۸	۲۸/۹	۲۸/۸	۱/۳۱	۱/۲۴	۷۲/۲۵	۳/۳۵	۳/۶۳	۰/۳۶	۱/۵۱۶
تهران	۳۷/۱	۶۲/۲	۱۱/۹	۸/۱	۶/۵	۱۶/۹	۹۰/۵	۹۲/۳	۸۸/۶	۳۳/۲	۳۳	۳۳/۳	۱/۵۵	۱/۲۶	۷۶/۰۵	۲۳/۰۹	۳/۴۳	۰/۲۹	۳/۱۷۶
چهارمحال بختیاری	۳۶/۱	۶۰/۲	۱۱/۶	۱۶/۴	۱۵/۶	۲۰/۳	۸۲/۵	۸۷/۶	۷۷/۴	۳۰	۲۹/۸	۳۰/۱	۱/۴۶	۱/۲۴	۷۲/۶	۰/۶۹	۳/۳۳	۰/۳	۰/۹۰۱
خراسان جنوبی	۳۶/۵	۵۸/۳	۱۵/۵	۸/۶	۷/۱	۱۴/۳	۸۲/۵	۸۶/۵	۷۸/۴	۲۹/۵	۲۹/۱	۲۹/۹	۱/۳۸	۱/۱۸	۷۲/۳۵	۰/۴۷	۳/۴۴	۰/۲۷	-
خراسان رضوی	۴۰/۱	۶۵/۱	۱۵/۴	۱۳/۳	۱۱/۷	۲۰/۱	۸۶/۳	۸۹/۴	۸۳/۲	۲۹/۷	۲۹/۵	۳۰	۱/۳۹	۱/۱۸	۷۴/۱۵	۵/۳۱	۳/۱۸	۰/۳	-۰/۱۳۵
خراسان شمالی	۴۱/۸	۶۴/۵	۲۱	۱۱/۱	۱۱/۵	۹/۸	۸۰/۳	۸۵/۳	۷۵/۳	۲۹/۵	۲۹/۱	۲۹/۸	۱/۴۹	۱/۲۷	۷۱/۲	۰/۵۷	۴۲/۳	۰/۳۱	-
خوزستان	۳۷/۵	۶۳/۳	۱۲	۱۰/۹	۸/۸	۲۱/۶	۸۳/۵	۸۷/۷	۷۹/۳	۲۸/۷	۲۸/۵	۲۸/۸	۱/۴۲	۱/۱۹	۷۲/۶	۱۳/۲۴	۳/۶	۰/۳۷	۲/۲۳۳
زنجان	۳۹/۹	۶۴/۷	۱۵/۳	۹/۶	۸/۹	۱۲/۷	۸۲/۴	۸۷/۱	۷۷/۷	۳۱/۲	۳۰/۹	۳۱/۵	۱/۵	۱/۲۵	۷۴/۵	۰/۸۶	۳/۶۹	۰/۲۶	-۲/۱۶۱
سمنان	۳۸/۳	۶۲/۸	۱۴/۳	۸/۴	۶/۵	۱۶/۷	۸۸/۴	۹۰/۸	۸۵/۹	۳۱/۹	۳۱/۷	۳۲	۱/۴	۱/۳۲	۷۴/۶۵	۰/۹۱	۳/۵۲	۰/۳۷	۲/۷۱۳
سیستان بلوچستان	۲۹/۹	۵۱/۴	۸/۹	۱۱/۵	۱۰/۸	۱۵/۴	۷۱/۶	۷۷/۷	۶۵/۴	۲۳/۵	۲۳/۴	۲۳/۷	۱/۵۴	۱/۱۷	۶۷/۴۵	۱/۲۳	۳/۴۳	۰/۴۶	-۳/۸۶۱
فارس	۳۷/۵	۶۳/۵	۱۱/۶	۱۲/۱	۹/۱	۲۸/۷	۸۶/۳	۸۹/۳	۸۳/۳	۳۱/۵	۳۱/۳	۳۱/۷	۱/۳۶	۱/۲۸	۷۴/۲	۴/۳۳	۳/۳۷	۰/۲۹	-۰/۵۶۸
قزوین	۴۰/۲	۶۶/۶	۱۳/۲	۱۱/۷	۱۰/۴	۱۸/۴	۸۴/۱	۸۷/۷	۸۰/۴	۳۱/۳	۳۱/۲	۳۱/۵	۱/۶۴	۱/۳۴	۷۳/۵۵	۱/۳۷	۳/۳۸	۰/۳۲	۰/۳۱۱
قم	۳۵/۳	۶۰/۴	۹/۶	۱۱/۳	۹/۷	۲۱/۵	۸۶/۶	۹۰	۸۳	۲۹/۶	۲۹/۶	۲۹/۶	۱/۶۷	۱/۱۸	۷۳/۵۵	۰/۹۴	۳/۵	۰/۳۶	-۰/۱۱۱
کردستان	۴۰/۲	۶۹/۵	۱۲/۴	۱۳/۳	۱۱/۶	۲۲/۱	۷۸	۸۴/۶	۷۱/۳	۳۰/۹	۳۰/۷	۳۱	۱/۵۹	۱/۱۳	۷۲/۳۵	۱/۰۱	۳/۵۹	۰/۳۶	-۴/۱۹۳
کرمان	۳۵/۲	۵۹/۵	۱۰/۷	۷/۹	۵/۵	۲۱/۴	۸۲/۲	۸۴/۶	۷۹/۸	۲۹	۲۸/۹	۲۹/۱	۱/۵۷	۱/۳۸	۷۳/۲۵	۲/۶۴	۳/۳۶	۰/۳۴	۰/۰۹
کرمانشاه	۳۹/۵	۶۴/۲	۱۵/۵	۱۷/۶	۱۶/۲	۲۳	۸۱/۷	۸۶/۶	۷۶/۸	۳۲/۱	۳۱/۷	۳۲/۵	۱/۶۱	۱/۳۲	۷۲/۸۵	۱/۷۱	۳/۱۵	۰/۳۴	-۲/۰۰۱
کهگیلویه و بو	۳۴/۵	۵۷/۸	۱۰/۲	۱۷/۷	۱۵	۳۳/۵	۸۱/۹	۸۷	۷۶/۹	۲۸/۶	۲۸/۶	۲۸/۶	۱/۲۴	۱/۱۹	۷۲/۱۵	۲/۲۸	۳/۵	۰/۴۵	۳/۷۱۵

گلستان	۳۷/۶	۶۲/۵	۱۴	۱۱/۸	۸/۵	۲۶/۱	۸۳	۸۷/۸	۷۸/۳	۲۹/۶	۲۹/۳	۲۹/۹	۱/۳۴	۱/۱۹	۷۲/۵	۱/۱۴	۳/۶۵	۰/۲۹	-۱/۸۵۶
گیلان	۴۱/۱	۶۵/۲	۱۸	۱۱	۹/۶	۱۵/۹	۸۴/۳	۸۸/۵	۸۰/۱	۳۵/۵	۳۵/۲	۳۵/۸	۱/۴۳	۱/۲۴	۷۴/۳	۲/۰۵	۳/۵۲	۰/۲۱	۰/۵۶۶
لرستان	۳۶/۲	۶۱/۵	۱۱/۱	۱۳/۳	۱۱/۵	۲۲/۹	۸۰/۴	۸۴/۹	۷۶	۳۰/۵	۳۰/۲	۳۰/۸	۱/۵	۱/۳	۷۲/۸	۱/۱۳	۳/۴۵	۰/۳۴	-۰/۵۶۱
مازندران	۴۱	۶۵/۹	۱۶	۱۲/۱	۸/۳	۲۷/۶	۸۵/۷	۸۹/۲	۸۲/۱	۳۴	۳۳/۸	۳۴/۲	۱/۳۳	۱/۱۷	۷۵/۲۵	۳/۲۷	۳/۵۲	۰/۳	۱/۴۰۹
مرکزی	۳۶/۵	۶۴/۶	۸/۱	۷/۹	۶/۷	۱۷/۸	۸۳/۸	۸۸/۱	۷۹/۵	۳۲/۷	۳۲/۵	۳۳	۱/۳۹	۱/۲۶	۷۴/۸	۲/۰۲	۳/۳۴	۰/۳۱	۰/۲۵۲
هرمزگان	۳۷/۲	۶۰/۳	۱۴/۷	۱۱/۹	۱۱	۱۵/۶	۸۳/۷	۸۶/۸	۸۰/۵	۲۷/۱	۲۷/۱	۲۷/۲	۱/۴۴	۱/۲۵	۷۱/۸	۲/۱۴	۳/۶۳	۰/۴۱	۱/۸۵۱
همدان	۳۶/۸	۶۴/۷	۹/۳	۸/۵	۷/۷	۱۳/۵	۸۲/۶	۸۷/۱	۷۸	۳۲/۳	۳۱/۹	۳۲/۶	۱/۶۲	۱/۲۷	۷۳/۲۵	۱/۴۴	۳/۳	۰/۲۸	-۳/۵۳۷
یزد	۴۱/۱	۶۴/۶	۱۶/۲	۱۱/۲	۸/۳	۲۳/۶	۸۷/۸	۹۰	۸۵/۴	۲۹/۹	۲۹/۹	۲۹/۸	۱/۴۸	۱/۲۱	۷۴/۹۵	۱/۶۲	۳/۱۲	۰/۳۳	۱/۰۲۳
کل	۳۸/۲	۶۳/۲	۱۳/۳	۱۱	۹/۳	۱۹/۴	۸۴/۸	۸۸/۴	۸۱/۱	۳۱/۱	۳۰/۹	۳۱/۳	۱/۴۷	۱/۲۴	۷۴	۱۰۰	۳/۴۳	-	-

۱. نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، (۱۰ساله و بیشتر) به جمعیت در سن کار(۱۰ساله و بیشتر)، ضریبدر ۱۰۰ می باشد.

۲. نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال(شاغل و بیکار)، ضریبدر ۱۰۰

۳. نسبت افراد فاقد توانایی خواندن و نوشتن در هر ۱۰۰۰ نفر

۴. تقسیم مجموعه حاصل ضرب های هریک از سنین منفرد در فراوانی افراد در آن سن

۵. دامنه امتیاز رضایت از زندگی ۱-۵ است که امتیاز ۱بیشترین میزان رضایتمندی و امتیاز ۵ کمترین میزان رضایتمندی را نشان می دهد.

۶. تعداد متوسط سالهایی است که یک شخص اگر شرایط مرگ و میری را که در جدول عمر مشخص شده، به کار بندد زندگی خواهد کرد.

۷. مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی است که در طی یک دوره معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می شود.

۸. نمره ای است که آزمودنی ها از پرسشنامه شادکامی آکسفورد (۱۹۹۴) کسب می کند.

۹. براساس گزارش توسعه ی انسانی و از طریق میانگین هندسی چهار شاخص سلامتی، آموزش، نرخ مشارکت اقتصادی و سیاسی محاسبه می شود.

جدول ۲- نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش بر اساس آزمون همبستگی پیرسون در مطالعه ارتباط بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در استان های ایران: یک مطالعه اکولوژیکی

نابرابری جنسیتی	شادکامی	
...	-۰/۱۵۶	نابرابری جنسیتی
-۰/۷۴۳*	-۰/۱۳۶	میانگین سنی کل
-۰/۷۵۹*	-۰/۱۹۴	میانگین سنی زنان
-۰/۷۲۶*	-۰/۱۲۹	میانگین سنی مردان
...	-۰/۱۱۰	باسوادی کل
...	-۰/۱۱۶	باسوادی زنان
...	-۰/۱۵۱	باسوادی مردان
...	۰/۱۶۲	مشارکت اقتصادی کل
...	۰/۰۴۷	مشارکت اقتصادی زنان
...	۰/۱۴۰	مشارکت اقتصادی مردان
...	-۰/۰۵۹	نرخ بیکاری کل
...	۰/۰۳۳	نرخ بیکاری زنان
...	۰/۱۸۵	نرخ بیکاری مردان
...	-۰/۲۰۱	امید زندگی کل
...	-۰/۱۵۱	توسعه ی استان ها
...	-۰/۰۰۲	تولید ناخالص داخلی
...	۰/۲۵۲	رضایت از زندگی زنان
...	-۰/۲۷۹	رضایت از زندگی مردان

* سطح معنی داری $p < ۰/۰۵$

جدول ۳- نتایج آنالیز رگرسیون خطی رابطه بین شادکامی و نابرابری جنسیتی و سایر متغیرهای استانی در مطالعه ارتباط بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در استان های ایران: یک مطالعه اکولوژیکی

مدل ۲- چند متغیره		مدل ۱- تک متغیره		
P.V	ضریب رگرسیونی	P.V	ضریب رگرسیونی	
۰/۷۶۰	۰/۱۲۰	۰/۳۸	۰/۱۵	نابرابری جنسیتی
۰/۱۲۹	-۰/۳۵۶	۰/۴۲	-۰/۱۴	نرخ بیکاری
۰/۹۴۶	-۰/۰۳۲	۰/۷۷	-۰/۰۵	نرخ باسواد
۰/۵۰۵	۰/۲۹۳	۰/۵۵	-۰/۱۰	میانگین سنی جمعیت
۰/۴۵۱	-۰/۲۰۰	۰/۱۳	-۰/۲۷	رضایت از زندگی در مردان
۰/۳۴۳	-۰/۲۲۳	۰/۱۹	-۰/۲۳	رضایت از زندگی در زنان
۰/۳۸۶	-۰/۴۳۸	۰/۴۸	-۰/۱۲	امید زندگی
۰/۹۸۴	۰/۰۰۵	۰/۹۸	۰/۰۰۳	GDP استان
۰/۶۴۸	۰/۱۷۹	۰/۴۴	۰/۱۵	میزان توسعه یافتگی استان

Reference

- Afshari Z, Dahmardeh L. Investigating the impact of poverty, income inequality and human development index on happiness in selected countries. Economic development policy. 2015; 2 (4): 31-59. [Persian]
- Montazeri A, Tavousi M, Haeri AA, Mozaffari R, Naghizadeh Moghari F, Anbari M, et al. Happiness among young adults in Iran: a nationwide cross sectional study. Payesh. 2018; 17 (4):409-42. [Persian]
- Steptoe A, Happiness and Health, Annual Review of Public Health. 2019; 40:1, 339-359.
- Muthuri R.N.D.K, Senkubuge F, Hongoro C. Determinants of happiness among healthcare professionals between 2009 and 2019: a systematic review. Humanit Soc Sci Commun. 2020; 7(98). [https:// doi.org/ 10.1057/s41599-020-00592-x](https://doi.org/10.1057/s41599-020-00592-x).
- Helliwell JF, Layard R, Sachs J, De Neve JM. World Happiness Report 2020. New York: Sustainable Development Solutions Network. Available From: [https:// worldhappiness.report/ed/2020/](https://worldhappiness.report/ed/2020/)
- Mohsen M. Happiness, theoretical approaches and empirical findings. 1, editor. Tehran: Tisa; 2015. [Persian]
- Reza Ssh. Research plan development guide. 3, editor. Tehran: Farhang and Jame'e Publications; 2013. [Persian]
- Pourjabali R, Helbati R. Investigating the Factors Affecting Gender Attitude among the People of Zanjan. Journal of Specialized Social Science. 2013; 10(36): 1-20. [Persian]
- Azadarmaki T, Ghaffari GH R. GENERATIONAL ATTITUDES TOWARDS WOMEN IN IRAN. Women in Development and Politics. 2002; 1(3).7-24. [Persian]
- Hemmati R, Maktubian M. A Survey of Gender Inequality among Selected Middle Eastern Countries: Emphasizing Iran's Position. Women's Research Journal. 2013; 4(8):115-142. [Persian]

11. Ham M, Gambel S. Culture of Feminist Theories. Tehran: Development; 2003. Translated by: GHrehdaghi F, Ahmadi KHorasani N, Mohajer N. [Persian]
12. Afshari Z, Kakavand S. The impact of Gender inequality on growth, fertility, and Labor Productivity in Iran. *Women's Studies Sociological and Psychological*. 2016; 14(2):7-33. doi: 10.22051/jwsps.2016.2486. [Persian]
13. United Nations Development Programme. Human Development Report 2020. Available From: <http://hdr.undp.org/en/composite/GII>
14. Engendering development: through gender equality in rights, resources, and voice. p. cm. - (World Bank policy research report). 2001. Oxford University Press, Inc. Available From: <http://documents1.worldbank.org/curated/pt/512911468327401785/pdf/multi-page.pdf>
15. Analysis of the situation of gender indicators in Iran. Vice President for Women and Family Affairs. Tehran. Iran, 2016. [Persian]
16. Azadeh MA, Tafteh M. The Obstacles of Happiness from the View of Female-headed Households of Tehran. *Women and Family Studies*. 2016; 3 (2): 33-60. [Persian]
17. Yorulmaz O. Relationship between Happiness and Gender Inequality Index: Canonical Commonality Analysis. *Research in World Economy*. 2016; 7(1). DOI: <https://doi.org/10.5430/rwe.v7n1p11>
18. Hajizadeh Meymandi M, Turkan R. A STUDY OF THE LEVEL OF AND FACTORS RELATED TO SOCIAL HAPPINESS (CASE STUDY: YAZD UNIVERSITY STUDENTS). *Urban Studies*. 2015; 5(16). 59-85. [Persian]
19. Byrd kR, Lear D, Schwenka S. Mysticism as a predictor of subjective well-being, *International Journal for the Psychology of Religion*. 2000; 10(4) 259-269. https://doi.org/10.1207/S15327582IJPR1004_04
20. SDG 2030. Available From: <https://www.un.org/en/sections/issues-depth/gender-equality/>
21. Montazeri A, Omidvari S, Azin A. HAPPINESS AMONG IRANIAN POPULATION: FINDINGS FROM THE IRANIAN HEALTH PERCEPTION SURVEY (IHPS). *Payesh*; 2012. 4(11):467-475. [Persian]
22. Irans DHS 2015. Available From: <https://www.amar.org.ir/GozarehSalamat>.
23. Poursaghar Sangachin F, Salehi E, Dinarvandi M. Assessment of development level in Provinces of Iran using factor analysis approach, *Journal of Land Use Planning*. 2012; 4(7): 5-26. doi: 10.22059/jtcp. 2013.30343. [Persian]
24. Planning and Budget Organization. Statistical s Yearbook of the Country 2015. Available From: https://www.amar.org.ir/new.94_n_salname_keshvar.
25. Ferrer-i-Carbonell A, Ramos X. Inequality and Happiness. *Journal of Economic Surveys*. 2014; 28(5):1016-1027. <https://doi.org/10.1111/joes.12049>
26. Vigod SN, Rochon PA. The impact of gender discrimination on a Woman's Mental Health. *EClinicalMedicine*. 2020; 20:100311. Doi: 10.1016/j.eclinm.2020.100311.
27. Yan H, Chan AWH. How Culture Affects Female Inequality Across Countries: An Empirical Study. *Journal of Studies in International Education*. 2007; 11(2):157-179. doi:10.1177/1028315306291538
28. Women and Cultural Barriers. Islamic Republic News Agency. 2017. News Code: 82718957. Available From: <https://www.irna.ir/news/82718957>. [Persian]
29. Siamian H, Naeimi OB, Shahrabi A, Hassanzadeh R, Âbazari MR, Khademloo M, et al. The Status of Happiness and its Association with Demographic Variables among the Paramedical Students. *J Mazandaran Univ Med Sci*. 2012; 21 (86):159-166.

- URL:
<http://jmums.mazums.ac.ir/article-1-867-en.html>. [Persian]
30. Tol A, mohebbi B, Yekaninejad M, Sabouri M. Influential Factors on Health Promoting Behaviors and Happiness among Women. *RJMS*. 2018; 25 (4):11-22. URL: <http://rjms.iums.ac.ir/article-1-5129-en.html>. [Persian]
31. Bruni L, Stanca L. Income Aspirations, Television and Happiness: Evidence from the World Values Survey. *Kyklos*, 2006; 59 (2): 209-225.
32. Salimi M. Association between Happiness and Essential Five Factors in Personality. *Socialworkmag*. 2014; 3(2):41-49. URL: <http://socialworkmag.ir/article-1-30-en.html>. [Persian]

The Relationship Between Gender Inequality and Happiness in Iran's Provinces: An Ecological Study

Shahbazi S: MSc. Student, Department of Health Management and Economics, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Tajvar M: PhD. Assistant Professor, Department of Health Management and Economics, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Khaledian Z: PhD. Student, Department of Health Management and Economics, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Yekaninejad MS: PhD. Associate Professor, Department of Epidemiology and Biostatistics, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Dargahi H: PhD. Professor, Department of Health Management and Economics, Health Information Management Research Center, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran-Corresponding Author: hdargahi@sina.tums.ac.ir

Received: Nov 12, 2020

Accepted: Mar 6, 2021

ABSTRACT

Background and Aim: In 2020 the rank of Iran in happiness index and gender inequality were reported to be rather low, they being, among 153 countries, 118 and 113, respectively. This study aimed to investigate the relationship between gender inequality and happiness in Iran's provinces.

Materials and Methods: This ecological study was conducted based on secondary analysis of data on happiness index, as the dependent variable, and gender inequality, as the main independent variable, in 31 Iranian provinces, the statistical population being people over 10 years old. The sources of data on other background variables were previous national studies and the national statistical yearbook. Analysis of the data was done using descriptive statistics, Pearson correlation coefficient and multiple linear regression.

Results: No significant relationship was found between gender inequality and happiness ($p < 0.05$) in the provinces. Neither was found any relationship between the background variables and happiness. However, the mean age of the population and gender inequality were inversely associated ($p < 0.05$), meaning that with an increase in the mean age gender inequality would decrease.

Conclusion: The fact that no statistically significant association was found between the various variables and happiness in Iran's provinces could be due to the small sample size. We would recommend to investigate further this topic at the individual level and with a larger sample size.

Keywords: Ecological Study, Gender Inequality, Happiness

Copyright © 2021 Tehran University of Medical Sciences. Published by Tehran University of Medical Sciences.



This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited.